چین در نبرد نظامی آینده پیروز می‌شود؟

سرویس خارجی-
موضوع بررسی توان نظامی چین و سرنوشت رقابت نظامی این کشور با آمریکا همواره محل پرسش بوده و اکنون با تشدید تنش واشنگتن و پکن بر سر تایوان، باردیگر توجه به توانایی نظامی چین محل بحث و بررسی واقع شده است.

طی چند هفته گذشته که موضوع سفر «نانسی پلوسی»، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان به عنوان منطقه مورد مناقشه چین پیش آمد و سرانجام نیز به سفر تنش‌آمیز پلوسی به این جزیره منجر شد، برای بسیاری میزان قدرت نظامی ارتش و نیروهای مسلح چین جای سوال واقع شد و این موضوع جای بررسی دارد که واقعا قدرت نظامی چین براساس آمار و ارقام رسمی و تایید شده به چه میزان است؟

گزارش‌ها حکایت از آن دارد که جمهوری خلق چین به طور فزاینده‌ای مصمم شده است که نیروهای مسلح این کشور باید فعالیت و نقش بیشتری در پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود داشته باشد. از همین رو نیز در سال ۲۰۲۰، بازنگری در استراتژی دفاع ملی چین دنبال شد و بر اساس آن ارتش چین موظف شد که از «منافع توسعه خارج از کشور» دفاع کند. این بازنگری همچنین منجر به تمایل بیشتر جمهوری خلق چین برای استفاده از نیروهای نظامی در پیشبرد اهداف خود شده است.

«دیوید براون»، کارشناس نظامی بی‌بی‌سی درباره قدرت نظامی چین معتقد است که چین در حال تقویت نیروهای مسلح خود با سرعتی بالاست که اخیراً با پرتاب یک ناو هواپیمابر جدید انجام شده است.

بسیاری از ناظران غربی دیگر نیز بر این باورند که یک تغییر عمیق در توازن جهانی قدرت نظامی در حال انجام است. «شی جین پینگ»، رئیس جمهور چین به نیروهای مسلح کشورش دستور داده است تا سال ۲۰۳۵ مدرن شوند. به گفته او، آنها باید تا سال ۲۰۴۹ به یک قدرت نظامی در کلاس جهانی تبدیل شوند که قادر به مبارزه کردن و پیروزی در جنگ‌ها باشد. به عنوان نمونه «فوجیان»، یک ناو هواپیمابر نوع ۰۰۳، در ماه ژوئن ۲۰۲۲ در شانگهای به آب انداخته شد و پیشرفته ترین ناو جنگی است که تاکنون در چین ساخته شده است. این کشتی سومین ناو هواپیمابر چین است و بر خلاف دو ناو دیگر، توسط مهندسان چینی طراحی شده است. متخصصان نظامی می گویند که سیستم پرتاب هواپیمای الکترومغناطیسی فوجیان یک پیشرفت قابل توجه برای نیروی دریایی چین است که به هواپیماها اجازه می‌دهد سریع‌تر مستقر شوند و کشتی را قادر می‌سازد هواپیماهای سنگین تر را حمل کند.

مشخص نیست که آزمایش و تجهیز کامل ناو بزرگ فوجیان چقدر طول می‌کشد و چه زمانی وارد میدان می‌شود، اما این ناو به ناوگان دریایی چین خواهد پیوست که از چند سال پیش در حال رقابت شانه به شانه با نیروی دریایی آمریکاست.

در حال حاضر، آمریکا با ۱۱ ناو هواپیمابر مجهز به سه زیردریایی، رزمناوها و ناوشکن‌های هسته‌ای یا کشتی‌های جنگی بزرگ‌تر، یک پیشتازی قابل توجه در مقایسه با قابلیت‌های دریایی چین دارد، اما مشخص نیست این پیشتازی آمریکا در سال‌های آینده هم حفظ شود، چون چین به سرعت در تلاش برای گسترش نیروی دریایی خود است.

براساس گزارش پنتاگون، نیروی دریایی آمریکا پیش‌بینی کرده است که بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۴۰، تعداد کل کشتی‌های نیروی دریایی چین نزدیک به ۴۰ درصد افزایش می‌یابد. سرهنگ سابق ارتش آزادی‌بخش خلق، «ژو بو»، از دانشگاه تسینگ هوا در پکن در ارتباط با قدرت نظامی چین به بی بی سی می‌گوید که به اعتقاد او گسترش نیروی دریایی چین در مقابله با تهدیدات دریایی که با آن مواجه است «بسیار مهم است».

او می‌گوید: «مهم‌ترین مشکلی که ما با آن روبه‌رو هستیم، آن چیزی است که ما آن را اقدامات تحریک آمیز آمریکا در آب‌های چین می‌دانیم.»

نکته جالب آن که چین از سوی برخی کارشناسان غربی به دلیل «فقدان شفافیت» در مورد میزان هزینه‌های دفاعی و نظامی این کشور و «گزارش متناقض ارقام» مورد انتقاد قرار گرفته است و این موضوع باعث ابهام غربی‌ها درباره هزینه‌های نظامی و دفاعی چین شده است. پکن داده‌های هزینه‌های رسمی را منتشر می‌کند، اما برآوردهای غربی حاکی از آن است که حمایت مالی چین از نیروهای مسلح خود بسیار بیشتر از آمار رسمی اعلام شده است.

باور عمومی بر این است که چین در حال حاضر بیش از هر کشوری به جز ایالات متحده، برای نیروهای مسلح خود هزینه می‌کند. بر اساس گزارش مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن، رشد بودجه نظامی چین حداقل برای یک دهه از رشد اقتصادی کلی آن پیشی گرفته است.

توان هسته‌ای

در ماه نوامبر ۲۰۲۱، وزارت دفاع آمریکا پیش‌بینی کرد که چین قرار است تا پایان دهه جاری ذخایر هسته‌ای خود را چهار برابر کند. به گفته این سازمان، چین احتمالاً قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ حداقل ۱۰۰۰ کلاهک هسته ای داشته باشد.

رسانه‌های دولتی چین این ادعا را «گمانه‌زنی مغرضانه» خواندند و افزودند که نیروهای هسته‌ای در حداقل سطح نگه داشته شده اند. با این حال، کارشناسان موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم که ارزیابی‌های سالانه ذخایر جهانی را منتشر می‌کنند، می‌گویند چین در سال‌های اخیر تعداد کلاهک‌های خود را افزایش داده است.

البته چین هنوز فاصله زیادی با ذخیره ۵۵۵۰ کلاهک جنگی آمریکا دارد، اما ساخت کلاهک‌های هسته ای از سوی چین یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای برتری نظامی غرب تلقی می شود. به گفته ویرل نوونز، از موسسه رویال یونایتد در لندن، «سلاح‌های هسته‌ای چین مهم‌ترین موضوع نگرانی غرب در برابر چین است».

همچنین به نظر می‌رسد که در طول یک دهه آینده، جمهوری خلق چین قصد دارد که نوسازی، تنوع بخشیدن و گسترش توان هسته‌ای خود را دنبال کند. براساس گزارش پنتاگون، جمهوری خلق چین در حال سرمایه‌گذاری و گسترش تعداد پایگاه‌های زمینی، دریایی و هوایی و سکوهای تحویل و ارسال موشک‌های هسته‌ای و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای پشتیبانی از این امر است.

از سوی دیگر، جداسازی پلوتونیوم با ساخت راکتورهای تولیدکننده سریع و تأسیسات بازفرآوری، سرعت گسترش هسته‌ای جمهوری خلق چین را ممکن می‌کند و این امکان را برای جمهوری خلق چین فراهم خواهد کرد تا به ۷۰۰ کلاهک هسته‌ای قابل تحویل تا سال ۲۰۲۷ دست یابد. چین احتمالاً قصد دارد حداقل یک هزار کلاهک تا سال ۲۰۳۰ و فراتر از سرعت و اندازه پیش‌بینی شده وزارت دفاع در سال ۲۰۲۰ داشته باشد. منابع غربی همچنین احتمال داده اند که پکن قبلاً یک «سه‌گانه هسته‌ای» نوپا ایجاد کرده است که شامل توسعه یک موشک بالستیک هوا پرتاب با قابلیت هسته‌ای (ALBM) و بهبود قابلیت های هسته‌ای زمینی و دریایی خود است. تحولات جدید در سال ۲۰۲۰ نیز نشان می‌دهد که جمهوری خلق چین قصد افزایش این میزان کلاهک را دارد.

«دیوید براون»، کارشناس نظامی معتقد است که چین در حال تقویت نیروهای مسلح خود با سرعتی بالاست.

رشد بودجه نظامی چین حداقل برای یک دهه از رشد اقتصادی کلی آن پیشی گرفته است.

آینده مافوق صوت

از سوی دیگر، یک فاکتور دیگر در برتری نظامی چین در برابر غرب، موشک‌های مافوق صوت است که با سرعتی بیش از پنج برابر سرعت صوت حرکت می کند. آنها به سرعت موشک‌های بالستیک قاره پیما نیستند، اما شناسایی آنها در هنگام پرواز به قدری دشوار است که ممکن است برخی از پدافند هوایی را بی‌اثر کند.

به گفته «زنو لئونی»، از کینگز کالج لندن، چینی‌ها می‌دانند که از نظر نظامی با غرب فاصله دارند، بنابراین به شدت تلاش می‌کنند تا طی چند سال آینده به پیشرفت‌های بزرگی دست یابند تا قدرت‌های غربی را کنار بزنند.

توسعه موشک‌های مافوق صوت یکی از راه‌هایی است که چین در تلاش برای کنار زدن غرب است.

چین اگرچه آزمایش موشک های مافوق صوت را رد کرده است، اما کارشناسان غربی بر این باورند که دو پرتاب موشک در تابستان گذشته نشان می دهد که ارتش این کشور در راه دستیابی به این موشک‌ها است.

دقیقاً مشخص نیست که چین در حال توسعه چه سیستم‌هایی از موشک‌های مافوق صوت است، اما به طور کلی دو نوع اصلی از نوع موشک‌ها وجود دارد:

یک نوع موشک‌های مافوق صوتی است که در جو زمین باقی می‌مانند و نوع دیگر سیستم‌های مافوق صوتی است که با بمباران مداری قبل از شتاب گرفتن به سمت هدف در مدار پایین پرواز می‌کنند و این امکان وجود دارد که چین موفق شود با ترکیب این دو سیستم، یک موشک مافوق صوت را از یک فضاپیما شلیک کند.

دکتر لئونی می‌گوید که اگرچه موشک‌های مافوق صوت به تنهایی تغییردهنده بازی و رقابت نظامی نیستند، اما برخی از اهداف را در برابر حمله بسیار آسیب‌پذیر می‌کنند. او می‌گوید: «موشک‌های مافوق صوت؛ دفاع از ناوهای هواپیمابر را بسیار دشوارتر می‌کنند.»

با این حال، او همچنین پیشنهاد می‌کند که تهدید موشک‌های مافوق صوت چین ممکن است توسط برخی از مقامات غربی که به‌دنبال هزینه تراشی هزینه‌های فضایی باشند، اغراق‌آمیز توصیف شود.

هوش مصنوعی و حملات سایبری

چین در حوزه فناوری‌های جنگ هوشمند و سایبری نیز به نتایج پیشرفته‌ای دست یافته است. به گفته وزارت دفاع آمریکا، چین اکنون کاملا به‌دنبال توسعه جنگ هوشمندانه یا روش‌های نظامی آینده مبتنی بر فناوری‌های مخرب توانایی دشمن براساس هوش مصنوعی است. در همین ارتباط نیز آکادمی علوم نظامی چین مأموریت یافته است تا اطمینان حاصل کند که این امر از طریق ادغام غیرنظامی- نظامی اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر پیوستن شرکت‌های فناوری بخش خصوصی چین به صنایع دفاعی این کشور یکی از اهداف مقامات چین برای توسعه فناوری هوش مصنوعی در توسعه نظامی است.

گزارش‌ها نیز حاکی از آن است که چین ممکن است در حال حاضر از هوش مصنوعی در سیستم‌های هدایت موشکی، ربات‌های نظامی و همچنین هواپیماهای بدون سرنشین و کشتی‌های نظامی بدون سرنشین استفاده کند.

طبق ارزیابی کارشناسان، چین قبلاً عملیات سایبری گسترده‌ای را در خارج از کشور انجام داده است. در ماه جولای نیز، انگلیس، آمریکا و اتحادیه اروپا چین را به انجام یک حمله سایبری بزرگ علیه سرورهای Microsoft Exchange متهم کردند.

در حال حاضر نیز اعتقاد بر این است که حمله سایبری اخیر چین علیه شرکت‌های غربی، حداقل ۳۰ هزار سازمان را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار داده است و هدف آن فعال کردن جاسوسی در مقیاس بزرگ از جمله کسب اطلاعات شخصی و مالکیت معنوی شرکت‌های غربی و آمریکایی بوده است.

آینده نامشخص

با این حال هنوز نمی‌توان به طور کامل به این نتیجه رسید که چین در حال تغییر مواضع استراتژیک خود از وضعیت تدافعی به وضعیت تهاجمی است. دکتر لئونی می‌گوید در حال حاضر، رویکرد چینی‌ها همچنان «پیروزی بدون مبارزه» است، اگرچه او می‌افزاید که چین می‌تواند این استراتژی را در آینده تغییر دهد.

تبدیل شدن به یک قدرت دریایی کاملاً مدرن نقطه اوج اهداف چین است و این موضوع را بسیاری از کارشناسان نیز تایید می‌کنند. در عین حال، سرهنگ ژو در پکن، ترس غرب از چین را بی‌اساس می‌داند و می‌گوید: «چین برخلاف ایالات متحده هیچ قصدی برای اداره جهان ندارد. حتی اگر چین روزی بسیار قوی‌تر شود، سیاست‌های فعلی خود را حفظ خواهد کرد.»

چین ممکن است از هوش مصنوعی در سیستم‌های هدایت موشکی، ربات‌های نظامی و هواپیماهای بدون سرنشین استفاده کند.

برخلاف گذشته ارتش آمریکا دیگر به راحتی نمی‌تواند توان نظامی پیشرفته چین را نادیده بگیرد.

چین از سال ۱۹۷۹، زمانی که با ویتنام وارد جنگ شد، جنگی نکرده است، بنابراین بسیاری از قابلیت‌های نظامی آن کاملاً آزمایش نشده است. بسیاری هم در غرب و هم در چین امیدوارند که سیاست‌های نظامی این کشور به شکل فعلی باقی بماند، اما یک موضوع مهم آن است که آیا تحرکات آمریکا در دریای چین جنوبی و تایوان اجازه خواهد داد که سیاست های چین به صورت تدافعی باقی بماند. به عبارت دیگر، مهم‌ترین علت تغییر احتمالی سیاست‌های نظامی چین را می توان اقدامات تحریک‌آمیز غربی‌ها و بویژه آمریکا در منطقه آسیای شرقی و بویژه دریای چین جنوبی و همچنین جزیره تایوان دانست. در این صورت شاید این آمریکا است که در نهایت سیاست تدافعی فعلی پکن را به یک موضع‌گیری تهاجمی تبدیل خواهد کرد.

کدام طرف در جنگ تایوان پیروز می شود؟

آخرین باری که بحران تایوان رخ داد، ارتش چین دارای فناوری کمتر توسعه یافته‌تری در مقایسه با نیروهای آمریکایی بود، اما الان وضعیت بسیار فرق کرده است. کارشناسان می‌گویند، در صورت رویارویی آمریکا با چین بر سر تایوان، واشنگتن دیگر نمی‌تواند تسلط نظامی خود را در اختیار بگیرد.

آخرین باری که تنش‌ها بین پکن و واشنگتن بر سر تایوان افزایش یافت، نیروی دریایی آمریکا کشتی‌های جنگی خود را به تنگه تایوان فرستاد و چین هیچ کاری نمی‌توانست انجام دهد، اما آن روزها به پایان رسیدند و دوران جدیدی آغاز شده است.

ارتش چین از اواسط دهه ۱۹۹۰، زمانی که به دلیل سفر رئیس تایوان به آمریکا دچار تنش شد، دستخوش تحول شده و تلاش کرده تا دیگر اجازه چنین جسارتی به تایوان ندهد.«میشل فلورنوی»، معاون سابق وزارت دفاع آمریکا در دولت اوباما به ان‌بی‌سی نیوز می‌گوید: «اکنون وضعیت بسیار متفاوت است و ما شاهد یک محیط بسیار مناقشه برانگیزتر هستیم که ممکن است برای نیروهای آمریکایی بسیار کشنده‌تر باشد.»

شی جین پینگ، رئیس جمهور چین نیز بر خلاف اسلاف خود، اکنون قدرت نظامی جدی از جمله موشک‌های بالستیک، نیروی دریایی عظیم و نیروی هوایی توانمندتر را در اختیار دارد. مقامات و کارشناسان می‌گویند که قدرت نظامی جدید چین، محاسبات استراتژیک آمریکا و تایوان را تغییر می دهد و خطرات احتمالی درگیری یا اشتباه محاسباتی را افزایش می‌دهد.

در جریان بحران ۱۹۹۵-۱۹۹۶ بر سر تایوان، چین تمرین‌های نظامی را با آتش واقعی برگزار کرد، هشدارهای جدی به تایپه صادر کرد و موشک‌هایی را به سمت آب‌های نزدیک تایوان پرتاب کرد. اما در طرف دیگر نیز ارتش آمریکا با بزرگ ترین نمایش و مانور نظامی از زمان جنگ ویتنام به چین پاسخ داد و مجموعه‌ای از کشتی‌های جنگی شامل دو گروه ناو هواپیمابر را به منطقه فرستاد. در آن زمان، ناو یواس‌اس نیمیتز و سایر کشتی‌های جنگی آمریکا از طریق آبراه باریکی که چین و تایوان را از هم جدا می‌کند، حرکت کردند و برتری نظامی آمریکا را به پکن نشان دادند. در آن زمان البته توان ارتش آزادیبخش خلق چین (PLA) قابل مقایسه با توان نظامی آمریکا نبود. در دهه ۱۹۹۰ ارتش چین، نیرویی با تکنولوژی ضعیف بود که نیروی دریایی‌اش نمی‌توانست خیلی از خط ساحلی چین فاصله بگیرد.

«متیو کرونیگ»، که به عنوان یک مقام اطلاعاتی و دفاعی در دولت‌های بوش، اوباما و ترامپ خدمت کرده، درباره توان نظامی چین می‌گوید: «چینی ها در دهه ۱۹۹۰ متوجه شدند که آسیب‌پذیر هستند، چون آمریکا توانست در آن زمان ناوهای هواپیمابر را مستقیماً جلوی صورتشان حرکت دهند و چین هم هیچ کاری نتوانست انجام دهند. پس از بحران ۱۹۹۰ بر سر تایوان، چینی‌ها که از نمایش فناوری پیشرفته ارتش آمریکا در جنگ اول خلیج فارس شگفت زده شده بودند، روش جنگی آمریکا را در پیش گرفتند و به مانند مقامات واشنگتن تلاشی هماهنگ برای سرمایه‌گذاری در ارتش خود و - بالاتر از همه - برای تقویت موقعیت خود در این زمینه آغاز کردند.»

«دیوید فینکلشتاین»، کارشناس امور امنیتی چین و هند و اقیانوسیه نیز می‌گوید: پکن از بحران ۱۹۹۵-۱۹۹۶ تایوان درس‌هایی گرفت و به این نتیجه رسید که به نظارت ماهواره‌ای و اطلاعات دیگر برای شناسایی دشمنان نیاز دارد و همچنین درک کرد که نیروی دریایی و هوایی قدرتمندی نیاز دارد که بتواند در غرب اقیانوس آرام حرکت کند و در همان جا روی آب عملیات هوایی انجام دهد. نیروی دریایی ارتش چین از سال ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ پیشرفت قابل توجهی کرد و تلاش داشته تا خود را در کلاس جهانی نشان دهد و به نظر می‌رسد که به هدفش نیز رسیده است.»

فینکلشتاین که افسر بازنشسته ارتش آمریکا نیز هست، همچنین می گوید: در سال های ۹۵-۹۶، نیروی هوایی ارتش هرگز توانایی پرواز روی آب را نداشت، اما اکنون ارتش چین در این زمینه پیشرو است.

«مارک میلی»، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا نیز ظهور چین به عنوان یک قدرت نظامی را به عنوان یک زلزله استراتژیک توصیف و موقعیت نظامی پیشرفته چین را تائید کرده است. میلی سال گذشته گفت: «به نظر من، ما شاهد یکی از بزرگ ترین تغییرات قدرت ژئواستراتژیک جهانی هستیم که جهان شاهد آن بوده است.»

«جیمز استاوریدیس»، دریاسالار چهار ستاره بازنشسته و فرمانده سابق ناتو نیز معتقد است که ارتش چین در حال حاضر در داخل و اطراف آب‌های داخلی، به ویژه در مجاورت تایوان، بسیار قدرتمند است. او می‌گوید که نیروی دریایی چین اکنون تعداد کشتی‌های بیشتری نسبت به ایالات متحده دارد.

همچنین «استاوریدیس»، تحلیلگر ان‌بی‌سی‌نیوز می‌گوید: اگرچه کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا بزرگ‌تر و پیشرفته‌تر در چین هستند، اما نمی توان کمیت و آموزش پیشرفته نیروهای دریایی و خدمه ناوهای پیشرفته چین را نادیده گرفت.

کارشناسان می‌گویند که چین در حال حاضر در حال ساخت کشتی‌ها و هلیکوپترهای آبی خاکی است تا بتواند یک حمله احتمالی در مقیاس کامل به تایوان را انجام دهد، اما اینکه آیا ارتش چین تصمیم به انجام چنین کاری داشته باشد، محل بحث و تردید است. با این حال هیچ شک و تردیدی وجود ندارد برخلاف گذشته ارتش آمریکا دیگر به راحتی نمی‌تواند توان نظامی پیشرفته چین را نادیده بگیرد و واشنگتن نمی تواند به راحتی دست به هر کاری در دریای چین جنوبی بزند. مضاف بر آن که همواره خطر اشتباه محاسباتی آمریکا بر سر تایوان وجود دارد و چین بارها اعلام کرده که حاضر به عقب‌نشینی بر سر تایوان نیست.

نیروی دریایی آمریکا پیش‌بینی کرده است که بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۴۰، تعداد کل کشتی‌های نیروی دریایی چین نزدیک به ۴۰ درصد افزایش می‌یابد.

تبدیل شدن به یک قدرت دریایی کاملاً مدرن نقطه اوج اهداف چین است.

از قدرت ارتش چین چه می‌دانیم؟

پس از سفر «نانسی پلوسی»، رئیس‌مجلس نمایندگان آمریکا به جزیره تایوان و مانورهای نظامی گسترده‌ای که چین در پاسخ به این سفر در اطراف جزیره به راه‌انداخت، توجهات به ارتش آزادی‌بخش خلق چین منعطف شد و برخی به دنبال اطلاع از میزان توانایی و تجهیزات آن برآمدند.

وزارت دفاع تایوان نیز اعلام کرده است که ارتش چین در رزمایش نظامی خود در حال شبیه‌سازی حمله به این جزیره است.

ارتش آزادیبخش خلق چین در سال‌های اخیر شاهد تغییرات اساسی و اضافه شدن تجهیزات و سیستم‌های پیشرفته و منحصر به فرد بوده است که آخرین آنها به آب‌انداختن یک ناو هواپیمابر عظیم و کاملاً جدید بود که پکن از طریق آن قصد دارد نیروهای مسلح خود را تقویت کند.

بنابراین می‌توان گفت که چین با سرعتی سریع، قوای نظامی خود را پویاتر کرده و توسعه می‌دهد تا برای گسترش نفوذ نظامی خود به عنوان یک قدرت بین‌المللی مسلط آماده شود. در میان این تقویت‌ها و مانورهای بزرگ نظامی، که در آن چین تسلیحات و نیروهای مدرن و پیشرفته خود را به نمایش می‌گذارد، بسیاری از تحلیلگران و ناظران غربی اکنون می‌بینند که تغییر عمیقی در موازنه جهانی قدرت نظامی در بخش شرقی جهان در حال انجام است.

پیشینه تاریخی

ارتش آزادیبخش خلق چین ریشه در قیام کمونیستی «نانچانگ‌ها» علیه ملی‌گرایان در سال ۱۹۲۷ دارد. این ارتش که در ابتدا ارتش سرخ نام داشت، تحت رهبری «مائو تسه تونگ» و «ژو دی» از ۵۰۰۰ سرباز در سال ۱۹۲۹ به ۲۰۰۰۰۰ سرباز در سال ۱۹۳۳ افزایش یافته است.

ارتش چین با بیشترین پرسنل نظامی در جهان، طبق گفته نشریه‌های نظامی سومین ارتش قدرتمند جهان محسوب می‌شود.

بودجه دفاعی چین برای سال جاری بالغ بر ۲۳۰میلیارد دلار بود که نسبت به سال گذشته ۷.۱ درصد افزایش داشت.

نیروی زمینی ارتش آزادیبخش خلق متشکل از ۹۷۵۰۰۰ سرباز تخمین زده می‌شود که تقریباً نیمی از کل نیروهاست.

پس از قتل عام کمونیست‌ها توسط «چیانگ کای شک»، که تنها بخش کوچکی از این نیرو پس از عقب‌نشینی ملی‌گراها جان سالم به در برد، ارتش سرخ قدرت خود را بازسازی کرد و بعداً بخش بزرگی از آن در کنار ناسیونالیست‌ها با قوای ژاپنی در شمال چین جنگید.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، ارتش سرخ کمونیست که به ارتش آزادیبخش خلق تغییر نام داد، ملی‌گراها را شکست داد و امکان تشکیل جمهوری خلق چین را در سال ۱۹۴۹ فراهم کرد.

قانون جمهوری خلق چین به صراحت می‌گوید که رهبری حزب کمونیست چین از طریق کمیسیون نظامی مرکزی به ریاست رئیس‌جمهور این کشور «شی جین پینگ»، نیروهای مسلح چین را رهبری می‌کند. این بدان معناست که ارتش موظف است طبق دکترین «حزب سلاح را رهبری می‌کند» به طور کامل تابع حزب باشد.

از این نظر، می‌توان گفت که ارتش آزادیبخش خلق یک ارتش ملی از نوع سنتی دولت-ملت نیست، بلکه یک ارتش سیاسی یا شاخه‌ای مسلح از خود حزب کمونیست چین است، زیرا وفاداری آن فقط به حزب است و نه به دولت یا هر قانون اساسی

بزرگ‌ترین ارتش جهان

ارتش خلق چین به نوشته وبسایت Global Fire Power، با جمعیت دو میلیون و ۳۵ هزار سرباز و ارتش ذخیره ۵۱۰ هزار نفری، از نظر تعداد، بزرگ‌ترین ارتش جهان و از نظر قدرت سومین در جهان است.بر اساس گزارشی که خبرگزاری رویترز در ماه مارس گذشته منتشر کرد، بودجه دفاعی چین برای سال جاری ۲۰۲۲ بالغ بر ۲۳۰ میلیارد دلار بود که نسبت به سال گذشته ۷.۱ درصد افزایش داشت و این دومین بودجه دفاعی بزرگ در جهان پس از ایالات متحده به شمار می‌رود.

پنج واحد اصلی

ارتش چین از پنج واحد اصلی تشکیل شده است:

نیروی زمینی: نیروی زمینی ارتش آزادیبخش خلق متشکل از ۹۷۵۰۰۰ سرباز تخمین زده می‌شود که تقریباً نیمی از کل نیروهاست. نیروی زمینی در مواقع بحران با ۵۱۰۰۰۰ نیروی ذخیره و نیروهای شبه نظامی تقویت می‌شود.

نیروی دریایی: چینی‌ها تقریبا در حوزه نیروی دریایی تا دهه‌ها سرمایه‌گذاری چندانی انجام ندادند و فقط از سال ۱۹۹۰ بود که رهبران حزب به تقویت این بخش علاقه نشان دادند و از آن زمان نیروی دریایی چین دستخوش نوسازی سریعی شده است، که طی آن نیروی دریایی ۳۰۰۰۰۰ نفری ارتش آزادیبخش خلق چین در سه ناوگان اصلی سازماندهی شده است: دفتر مرکزی ناوگان دریای شمال در چینگدائو، ناوگان دریای شرقی در نینگب و ناوگان دریای جنوب در ژانجیانگ مستقر است. هر ناوگان متشکل از تعدادی کشتی سطحی، زیردریایی، نیروی هوایی نیروی دریایی، پدافند ساحلی و واحدهای دریایی است. امروزه نیروی دریایی چین از نظر تعداد قطعات مختلف با ۷۷۷ قطعه، از جمله دو ناو هواپیمابر و یک ناو جدید که قرار است به زودی عملیاتی شود، یک ناو هلیکوپتربر، ۷۹ زیردریایی، ۴۱ ناوشکن و علاوه‌بر بسیاری از شناورهای مهم دیگر، بزرگ‌ترین نیروی دریایی جهان است.

ارتش آزادیبخش خلق چین ریشه در قیام کمونیستی «نانچانگ‌ها» علیه ملی‌گرایان در سال ۱۹۲۷ دارد.

ارتش آزادیبخش خلق یک ارتش ملی از نوع سنتی دولت-ملت نیست، بلکه یک ارتش سیاسی یا شاخه‌ای مسلح از خود حزب کمونیست چین است.

در سال‌های اخیر، دو لشکر موتوریزه آبی-خاکی در ناحیه نظامی نانجینگ و گوانگژو ایجاد شده است. همچنین حداقل ۴۰ درصد از لشکرها و تیپ‌ها اکنون مکانیزه یا زرهی هستند که دو برابر قبل از سال ۲۰۱۵ است.

از سوی دیگر در ازای کاهش تعداد پرسنل نیروی زمینی در سال‌های اخیر، بخش فناورانه، نیروهای عملیات ویژه، نیروی هوایی و یگان‌های جنگ الکترونیک تقویت شده است.

نیروی هوایی: تعداد سربازان نیروی هوایی ارتش آزادیبخش خلق ۳۹۵۰۰۰ نفر است که به پنج فرماندهی و ۲۴ لشکر تقسیم می‌شوند. بزرگ‌ترین واحد عملیاتی در نیروی هوایی، بخش هوایی است که شامل ۲ تا ۳ هنگ هوانوردی است که هر کدام شامل ۲۰ تا ۳۶ هواپیما می‌شود.

همچنین سه بخش هوابرد توسط ارتش آزادیبخش خلق و همچنین پروژه‌هایی مانند J-XX و XXJ وجود دارد که این‌ها نام‌هایی است که از سوی آژانس‌های اطلاعاتی غربی برای توصیف برنامه‌های جمهوری خلق چین برای توسعه یک یا چند هواپیمای جنگی نسل پنجم استفاده می‌شود. نیروی هوایی با ۳۲۸۵ فروند هواپیما در رتبه سوم جهان قرار دارد که ۱۲۰۰ فروند آن جنگنده است.

نیروی موشکی: این واحد برای ارتش آزادیبخش خلق راهبردی است و متشکل از حداقل ۱۲۰۰۰۰ پرسنل می‌باشد و به شش لشکر که هر یک به طور جداگانه عمل می‌کنند تقسیم می‌شود. وظیفه اصلی آن کنترل موشک‌های استراتژیک متعارف و هسته‌ای چین است که تعداد کل آنها بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ کلاهک هسته‌ای تخمین زده می‌شود.

نیروی پشتیبانی استراتژیک: این واحد در پایان دسامبر ۲۰۱۵ به عنوان بخشی از موج اول اصلاحات ارتش آزادیبخش خلق چین، به عنوان جدیدترین شاخه تأسیس شد و تعداد اعضای آن ۱۷۵۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود.

این واحد زمانی که ۷ سال پیش تأسیس شد، پکن به طور رسمی جزئیات ماموریت آن را ارائه نکرد، اما یک مقام وزارت دفاع چین به روزنامه واشنگتن پست گفته است که این نیرو ترکیبی یکپارچه از همه نیروهای پشتیبانی رزمی فعلی است و علاوه‌بر هوافضا، الکترونیک و شاخه‌های اطلاعاتی، شامل نیروهای عملیاتی نیز می‌شود که مستقل از سایر شاخه‌های ارتش از فناوری بالایی مانند جنگ الکترونیک و فضایی استفاده می‌کنند.

منبع: فارس